

## تاریخ فیلم‌های تایتانیک

درک بولز

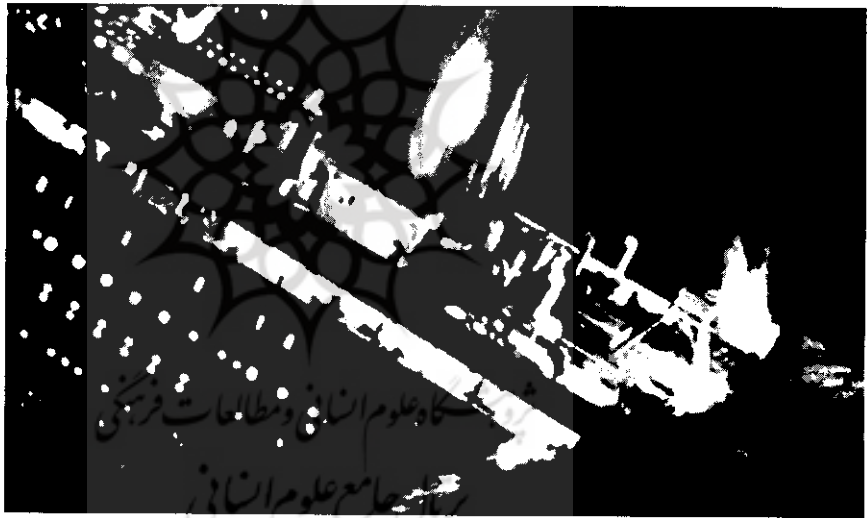
ترجمه: لیلا کتابفروش

پیشگفتار: آثار سینمایی ساخته شده بر اساس رویداد تاریخی و جنجال‌برانگیز غرق کشتی تایتانیک، از هنگام وقوع آن در سال ۱۹۱۲ تا به امروز، تقریباً همه مقاطع تاریخ سینما را درنوردیده‌اند. درام‌های واقعی و تخیلی که بر گرد حادثه تایتانیک شکل گرفته‌اند عملاً «فیلم‌های تایتانیک» را به صورت یک گونه فرعی سینمایی جلوه داده‌اند.

مقاله حاضر کلیه آثار این گونه را با نگاهی تاریخی - انتقادی مورد بررسی قرار می‌دهد و زمینه شکل‌گیری و پیامدهای هر یک از آنها را بررسی می‌کند.

۱۹۱۲ - دست‌کم یک بازسازی «انیمیشن» ابتدایی از این فاجعه که توسط بخش فروش «انیمیتد ویکلی» (Animated Weekly) برای اقناع تماشاگران سینما که تشریح تماشای هرگونه فیلم مربوط به تایتانیک بودند، پخش گردید. در آن زمان، تهیه نسخه‌های انیمیشن از رویدادهای خبری که شانس پوشش از سوی دوربین‌های واقعی فیلمبرداری را نداشتند بسیار مرسوم بود. نسخه انیمیشن مشابهی از غرق کشتی کوزیوانا که سه سال بعد ساخته شد، هنوز موجود است.

۱۹۱۲ - سینما در آن زمان هنوز رسانه سرگرم‌کننده ولی ابتدایی بود که سال‌های نوزادی خود را می‌گذراندید



### تاریخ فیلم‌های تایتانیک

۱۹۱۲ - یک فیلم خبری ۱۰ - دقیقه‌ای بیشتر جعلی، که بلافاصله پس از فاجعه تایتانیک در سینماها پخش شد. بیشتر قسمت‌های این فیلم از کشتی نظیر تایتانیک به نام «المپیک» گرفته شده که با توجه به تکمیل ساخت آن در یک سال زودتر از تایتانیک، پوشش تصویری گسترده‌تری داشت. تماشاگران ساده و بی‌تجربه آن زمان به راحتی این حيله‌ها را به جای واقعیت می‌پذیرفتند.

و شماری از افراد دست‌اندرکار صنعت فیلم جزو مسافران تایتانیک بودند. بیشتر آنان زنده نماندند. ولی یکی از آنها زنده ماند دورونی گیسون بود که بازیگری نیمه - وقت، و جزو مسافران قسمت درجه یک کشتی بود. ظرف چند هفته که از نجات او می‌گذشت، استودیوی طرف قرارداد او، شرکت اکلر فیلم (Eclair Film) توجه خود را به این ارتباط معطوف کرد و یک فیلم ده - دقیقه‌ای به نام «نجات یافته از تایتانیک» ساخته و پخش کرد. در این فیلم، خانم گیسون همان

لباسی را پوشید که در شب حادثه به هنگام سوار شدن بر قایق نجات تایتانیک بر تن داشت. خانم گیسون در واقع یکی از نخستین کسانی بود که سوار بر قایق نجات شده بود. حال آنکه در فیلم، او مثل یک قهرمان در نجات بسیاری از مسافران یاری می‌رساند و یکی از آخرین کسانی است که سوار قایق می‌شود.

این فیلم دیگر وجود ندارد و بدون تردید چندین نسخه دیگر از فیلم‌های صامت مربوط به فاجعه تایتانیک وجود داشته که هیچ کدام آنها امروز باقی نمانده‌اند. بر اساس یک تخمین، ۹۰ درصد فیلم‌هایی که در دوران صامت ساخته شدند برای همیشه مفقود شده و از دست رفتند. یکی از فیلم‌های آلمانی اولیه درباره فاجعه تایتانیک نیز گمشده تلقی می‌شد اما اخیراً هفته‌ها پس از پخش فیلم جیمز کامرون مجدداً کشف گردید.

۱۹۲۹ - شرکت فیلمسازی «بریتیش اینترنشنال پیکچرز» (British International Pictures) فیلم آتلانتیک را دو نسخه صامت و ناطق پخش کرد. این فیلم در آن زمان نمونه‌ای نادر از چیزی بود که امروز به صورت یکی از محصولات عمده تلویزیون درآمده، و آن: تولید مشترک بین‌المللی آن در نسخه‌های ناطق انگلیسی، فرانسه و آلمانی است. از نظر بسیاری از تماشاگران اروپایی، آتلانتیک نخستین فیلم تمام ناطقی بود که تا به حال دیده بودند و همچون اکثر فیلم‌های ناطق اولیه، سکانس‌های دیالوگ‌دار به نحو احمقانه‌ای بد بودند و بیشتر بازیگران به خاطر اجبار به ریختن چرخ خود به داخل میکروفون - که در آن زمان چیزی ناآشنا بود - شدیداً ناراحت به نظر می‌رسیدند و این کاملاً پیدا بود.

این فیلم اقتباسی از نمایشنامه ارنست رموند به نام کوه یخ بود، و در استودیوهای الستی انگلستان فیلمبرداری شده بود. نماهای نشان دهنده قایق‌های نجات که از پهلو کشتی پایین آورده می‌شدند در یک

کشتی مسافری واقعی که وارد بارانداز رود «تیمز» شده بود، فیلمبرداری گردید. عنوان آتلانتیک ضمناً نام آن کشتی نیز بود. و تهیه‌کنندگان فیلم با تهدید شکایتی از سوی شرکت کشتیرانی «وایت استار» روبه‌رو بودند که این یکی از اقدامات بسیار این شرکت در جهت منصرف کردن فیلمسازان از دراماتیزه کردن فاجعه تایتانیک بود.

۱۹۳۳ - فیلم «رویداد مهم»، از تولیدات شرکت فیلمسازی «فاکس»، بر مبنای نمایشنامه‌ای از نوئل کوارد ساخته شده و صحنه‌ای داشت که طی آن یک زوج نگون‌بخت که در حال گذراندن ماه عسل خود بودند، بر عرشه یک کشتی ناشناس از نقشه‌های خود برای آینده حرف می‌زدند. هم‌چنان که آن دو از کنار نرده عرشه دور می‌شوند، ما نام تایتانیک را که روی یک حلقه نجات نوشته شده بود، می‌بینیم. این فیلم بزنده جایزه اسکار بهترین فیلم سال ۱۹۳۳ شد.

۱۹۳۷ - «تاریخ به هنگام شب ورق خورده» فیلمی با شرکت شارل بویه و جین آرتور که به عنوان «یک درام کمدی رمانتیک» معرفی شد، نقطه اوج فیلم در یک کشتی مسافری جدید و پرتجمل که با توده یخی در شمال اقیانوس اطلس برخورد می‌کند، می‌گذرد. پیش از این حادثه، صاحب کشتی به ناخدا دستور داده بود که اخطارهای مربوط به توده‌های یخ را نادیده بگیرد و با سرعت تمام برای به جا گذاشتن رکورد عبور از اقیانوس بشتابد. به غیر از این ماجرای برخورد با توده یخ، ارتباط فیلم با داستان تایتانیک چندان قوی یا واضح نیست. در این فیلم، دیواره‌های کشتی و به طور کلی چهارچوب اصلی آن در برابر غرق شدن مقاومت می‌کند، کشتی و مسافران، که قبلاً به قایق‌های نجات منتقل شده بودند، نجات می‌یابند و مسافران سرانجام به کشتی باز می‌گردند.

۱۹۳۸ - تهیه‌کننده مشهور هالیوود، دیوید ا. سلزینک احساس می‌کرد که داستان تایتانیک از

آن چنان کیفیت تاریخی - حماسی لازم برخوردار است و از همین روی، به عنوان پروژه‌های سینمایی آن را بسیار جذاب یافت. سلز نیک معتقد بود که برای پرداخت درست این داستان به یک کارگردان انگلیسی نیاز دارد و بدین جهت، آلفرد هیچکاک را که در آن زمان یکی از مشهورترین کارگردانان سینمای انگلستان بود به آمریکا دعوت کرد. طرح اولیه سلز نیک مستلزم خرید یک کشتی مسافری آمریکایی به نام «لویاتان» (Leviatan) و سپس انتظار نوبت در بندر «هابوکن» نیوجرسی و سپس آوردن آن به کالیفرنیا از طریق کانال پاناما بود. از آن پس، استودیو عرشه آن را شبیه تایتانیک می‌آراست، در آنجا فیلمبرداری می‌کرد و کشتی را در حوالی بندر «سانتامونیکا» - در حالی که دوربین‌ها مشغول کار بودند - غرق می‌کرد، و اما این طرح عملاً به انجام نرسید. مشکلات متعددی بر سر راه آماده‌سازی فیلمنامه بود و مخارج خرید و کشاندن کشتی «لویاتان» به کالیفرنیا، خود مانع عمده‌ای بود. علاوه بر این در این زمان سلز نیک عمیقاً درگیر یکی دیگر از پروژه‌های خود، یعنی «بر باد رفته» بود.

۱۹۴۳ - در طول جنگ جهانی دوم، صنعت فیلم آلمان که سخت تحت کنترل نازی‌ها بود، اقدام به ساختن یک فیلم تبلیغاتی از فاجعه تایتانیک کرد که نام آن نیز «تایتانیک» بود. این فیلم یکی از پرخرج‌ترین فیلم‌های آلمانی بود که تا آن زمان ساخته شده بود. در این هنگام، آتش جنگ دامن‌گیر رایش سوم شده بود و آلمانی‌های متوسط‌الحال دچار انواع محرومیت‌ها از لحاظ غذا، سوخت، و دیگر منابع بودند. با این همه، این پروژه پروژه مورد علاقه وزیر قدرتمند و مورد اعتماد هیتلر در امور تبلیغات، یعنی جوزف گوبلز بود. این حقیقت که فاجعه واقعی تایتانیک تأکیدی بر بی‌لیاقتی و فساد انگلیسی‌ها محسوب می‌شد، از نظر گوبلز بسیار جذاب می‌نمود و فرصت قابل ملاحظه‌ای را برای درام‌پردازی از این دیدگاه فراهم آورد.

فیلم آلمانی «تایتانیک» به هنگام پخش، با شکست کامل مواجه شد. بمباران‌های دائم شهرهای آلمان توسط نیروهای مشترک هوایی آمریکا و انگلستان اشتباهی مردم را برای دیدار و یادآوری این فاجعه تحریک نکرد. سانسور نازی‌ها به محض دریافت این حقیقت که تماشاگران آلمانی هنوز علی‌رغم وجه تبلیغاتی آشکار فیلم نسبت به مسافران انگلیسی تایتانیک همدردی بسیار نشان می‌دادند، جلوی پخش فیلم را گرفت. ارزش‌های تبلیغاتی فیلم ضمناً به ضرر نازی‌ها وارد عمل شد زیرا کشتی تایتانیک آن می‌توانست به راحتی به منزله استعاره رایش سوم تعبیر شود. اما، «تایتانیک» آلمانی به هنگام نمایش در فرانسه تحت اشغال بسیار موفق از کار درآمد. هربرت سلین کارگردان «تایتانیک» پیش از این چندین فیلم صاحب نام دیگر هم ساخته بود. سلین در برابر تلاش بسیار نازی‌ها در جهت بزرگنمایی بزدلی و بی‌لیاقتی انگلیسی‌ها - بیشتر از آن‌چه که در فیلم هست - مقاومت کرد. او آشکارا بیزاری خود را از اربابان نازی‌اش ابراز داشت و به دستور گوبلز - و در حالی که هرگز موفق به دیدن آخرین فیلم خود نشد - در زندان به قتل رسید. شاید او آخرین قربانی فاجعه تایتانیک بود.

«تایتانیک» هربرت سلین در سال ۱۹۴۵ توسط ارتش آمریکا، که در کنار سایر متفقین آلمان نازی را به اشغال خود درآورده بودند، مصادره شد و تلاش‌هایی که در سال ۱۹۵۰ برای بازیافت نسخه پخش آن در آلمان انجام گرفت با شکست مواجه شد زیرا هنوز مقامات متفقین فیلم را بیش از حد ضد - انگلیسی می‌دانستند. جالب اینجاست که «تایتانیک» آلمانی در طول دهه ۱۹۵۰ در آلمان شرقی (آن سال‌ها) نمایش داده شد زیرا لحن ضد - انگلیسی فیلم با ایدئولوژی کمونیستی، به مراتب بهتر از ایدئولوژی نازی تناسب داشت! و کنایه جالب آخرین این‌که، بخش‌هایی از

نماه‌های حاوی جلوه‌های ویژه این فیلم که با استفاده از ماکت فیلمبرداری شده بود در برخی از برنامه‌های اولیه تلویزیون آمریکا و نیز در فیلم انگلیسی «شب به یاد ماندنی» مورد استفاده قرار گرفت.

۱۹۵۳ - شرکت فیلمسازی «فاکس قرن بیستم» سرانجام به تحقق طرح سژنیک که سابقه‌اش به پانزده سال قبل از این تاریخ می‌رسید همت گماشت و داستان تایتانیک را از پرداختی کاملاً هالیوودی که بسیار شایسته‌اش بود و سال‌های بسیار به تعویق افتاده بود برخوردار ساخت. «تایتانیک» فاکس مستند - درامی بسیار پر تجمّل بود که شخصیت‌های واقعی و خیالی را درهم آمیخته بود. نمایش این فیلم در روز ۱۴ آوریل ۱۹۵۳، یعنی دقیقاً ۴۱ سال پس از این فاجعه در هالیوود به وقوع پیوست. ستارگان این فیلم «باربارا استانویک، کلفتون وب، و رابرت وانگر بودند.

واثر لرد، نویسنده کتاب «شبی فراموش نشدنی» می‌گفت که شنیده است، تجسم کلفتون وب از شخصیت متظاهر و پر زرق و برق ریچارد استورجس آنقدر شفاف بود که اگر او در کشتی حضور نداشت، جایس سخت خالی می‌بود. کارگردان «تایتانیک» فاکس، ژان نگولسکو از ابزاری دراماتیک بهره گرفت که ویژه تمامی فیلم‌های برتر تایتانیک بود و آن تأکید بر خوشی و سرمستی زندگی در این کشتی پیش از وقوع حادثه برخوردار و در تضاد قرار دادن این با اغتشاش و تیره روزی پس از فاجعه بود.

سکانسی که طی آن استورجس و پسرش در رودرویی با مرگ آواز «خداوندا، نزد تو می‌آیم» را می‌خوانند به صورت بخش همیشگی اسطوره‌شناسی تایتانیک درآمده است. همین صحنه شاید به خلق طرفداران بسیار این فیلم - بیشتر از هر فیلم دیگری در این تاریخچه - منجر شده باشد. «تایتانیک» فوکس هم همچون بیشتر فیلم‌های آمریکایی آن زمان، تماماً در استودیوهای هالیوود و در پلاتوهای مجهز به امکانات

صدا فیلمبرداری شد. فیلمنامه کنایه‌آمیز و پر مغز فیلم یک جایزه اسکار را نصیب فیلمنامه‌نویسانش کرد. ماکت تایتانیک که در این فیلم مورد بهره‌برداری قرار گرفت به‌طور کامل به حالت اول بازگردانده شده و در موزه دریایی شهر «فال ریور» ایالت ماساچوست در معرض نمایش است.

۱۹۵۶ - در زمانی که تا به امروز از آن به عنوان «عصر طلایی» یاد می‌شود، شبکه‌های تلویزیونی به عرضه درام‌های زنده تلویزیونی با کیفیت عالی می‌پرداختند و به آنها افتخار می‌کردند. و برنامه تئاتر تلویزیونی کرافت یکی از بهترین آنها بود. واثر لرد یک سال پیش‌تر (۱۹۵۵) اثر مشهور خود درباره تایتانیک را با عنوان «شبی به یاد ماندنی» به چاپ رسانیده بود و شرکت کرافت (Kraft) یک برنامه تئاتر تلویزیونی بر اساس این کتاب تهیه و ارائه کرد که به‌طور زنده از استودیوی ان.بی.سی در نیویورک پخش شد.

در این اثر «عظیم و تماشایی»، آن‌چنان که نمایش‌هایی از این قبیل را در آن سال‌ها با این عنوان معرفی می‌کردند، ۱۰۷ بازیگر و ۳۱ دکور داشت - که بعضی از آنها را طوری طراحی کرده بودند که با کج شدن فزاینده کشتی بالا و پایین می‌رفتند و مخازن بزرگ آب در این دکورها تخلیه می‌شدند. ستاره مشهور هالیوود کلود رن هم روایت‌گر ماجرا بود. این برنامه شاید بلندپروازانه‌ترین نمایش زنده‌ای بود که تا به حال از تلویزیون پخش شده بود. کارگردانی نمایش با جرج روی هیل بود که در سال‌های دهه ۱۹۷۰ با فیلم‌هایی چون «بوچ کسیدی و ساندنس کید» و «نیش» به صورت یکی از عمده‌ترین کارگردانان سینمای آمریکا درآمده بود.

۱۹۵۸ - محبوبیت فوق‌العاده کتاب واثر لرد و درام‌پردازی تلویزیونی از آن کتاب تهیه‌کننده ایرلندی سینما، ویلیام مک کوئیتی را متقاعد ساخت که داستان تایتانیک هنوز شایسته کار سینمایی پر تجمّل تری است.

مک کویتی، در سال ۱۹۱۱، هنگامی که هنوز پسر بچه‌ای بیش نبود، خود شاهد به آب انداختن تایتانیک در بندر «بلغاست» بود. تولید شرکت فیلمسازی جی. آر تور رانک (Arthur Rank) به نام «شبی به یاد ماندنی»، بی تردید بهترین و معتبرترین فیلم از گروه فیلم‌های تایتانیک است. این فیلم که از کارگردانی استادانه روی بیکر برخوردار است، به شیوه‌ای دراماتیک حقایق این رویداد را، بی آنکه با حضور ساختگی ستارگان و احساسات‌گرایی‌هایی که مشخصه نسخه سال ۱۹۵۳ این اقتباس سینمایی (و تا حدود کمتری مشخصه فیلم ۱۹۹۷ جیمز کامرون) بود مخدوش شود، در برابر دیدگان تماشاگران می‌گذارد.

صحنه‌های داخلی فیلم بیشتر در استودیوهای پاپین وود در نزدیکی لندن فیلمبرداری شد و در جمله آن‌چه که بر اعتبار فیلم می‌افزود یکی وجود ۳۰ دکور داخلی بود که بر اساس نقشه‌های واقعی تایتانیک ساخته شده بود و دیگری، بازیگرانی که همانند کسانی به نظر می‌آمدند که توسط اینان به تجسم درآمده بودند. صحنه‌های خارجی در یک دکور غول‌آسا در محیط باز، آن‌هم در وسط زمستان و بر عرشه یک کشتی مسافری قدیمی شرکت «هارلند و ولف» به نام آستوریاس که در آن زمان در حال اسقاط شدن بود، فیلمبرداری شد.

دل‌مشغولی نسبت به رعایت دقیق جزئیات، حتی پس از دیدارهای مکرر از این فیلم، هم‌چنان خودنمایی می‌کند. تنها تغییراتی جزئی به اقتضای درام‌پردازی در حقایق تاریخی اعمال شد که این به ویژه در استفاده از «شخصیت‌های ترکیبی» یعنی شخصیت‌های غیر واقعی که تجسمی از خصوصیات آدم‌های واقعی نشانگر سه طبقه اجتماعی در این کشتی بودند، مشاهده می‌شد.

سکانس‌های دردناکی که نشان‌دهنده ظاهراً حماقت کارکنان کالیفرنایی کشتی تایتانیک به هنگام غرق شدن آن است احتمالاً بیش از هر عامل دیگری، به خاطر تحریک حس همدردی نسبت به ناخدا استنلی لرد

به وجود آمده بود که از هنگام وقوع حادثه سخت در مظان اتهام قرار داشت.

جدی‌ترین کاستی‌های فیلم سکانس‌های نه‌چندان متقاعدکننده جلوه‌های ویژه آن بخصوص سکانس برخورد تایتانیک به توده یخ است که در مقایسه با فیلم شرکت فیلمسازی فاکس که پنج سال قبل ساخته شده بود، ضعیف به نظر می‌رسید.

فن‌آوری سینمای انگلستان در آن سال‌ها اصلاً توان رقابت با فن‌آوری هالیوودی را نداشت.

فیلم «شبی به یاد ماندنی»، علی‌رغم نقدهای قریب به اتفاق مثبت و نامزدی دریافت انواع جوایز سینمایی، به هنگام بخش درگیشه چندین موفق نبود. شاید نقاط قوت فیلم به عنوان درامی مستند، و نیز امتناع بیکر و مک کویتی در تن در ندادن به مصالحه‌های درام‌پردازی، موجب تضعیف آن درگیشه شد.

۱۹۶۴ - ماجرای زندگی پسر زنگ بازمانده واقعی تایتانیک خانم جی. جی. براون، به صورت یک اثر موزیکال برادوی به نام «مالی براون غرق ناشدنی»، با موسیقی مردیت ویلسون به نمایش درآمد. در اقتباس سینمایی از این اثر، دبی ریولدرز با آن ظاهر پر شور و شرس، نقش اصلی را ایفا می‌کرد. همچون اکثر بیوگرافی‌های موزیکال، این فیلم نیز در تجسم زندگی واقعی قهرمان اثر آزادی قابل ملاحظه‌ای برای خود قائل می‌شود. مگی براون واقعی از جذابیت و خوشایندی خانم ریولدرز برخوردار نبود، اما به هر حال، داستان و رویدادهای فیلم چهارچوبی واقعی داشت.

مگی دختر دهاتی - یتیمی بود که بعدها - پس از آن که شوهرش معدن نقره‌ای را کشف کرد و به ثروتی عظیم دست یافت - یکی از ثروتمندترین زنان شهر «دنور» (Denver) در کلرادو شد. مگی که از نظر محافل شهر «دنور» یک دهاتی تلقی می‌شد و مورد سرزنش آنها بود، پیوسته به اروپا سفر می‌کرد و یکی از شخصیت‌های مورد علاقه در میان زنان و مردان

صاحب نام جهان بود.

عرشه کشتی «کوئین مری» در لانگ بیچ کالیفرنیا، و در آب‌های پر از توده‌های یخ «گرین‌لند» و نیز در یک استودیوی بسیار بزرگ با امکانات «آب‌اندازی» نزدیک لندن، فیلمبرداری شد. یکی از گیراترین سکانس‌های فیلم، سکانس آغازین آن است که بازماندگان تایتانیک را که هنوز در حالت شوک‌اند، در حال سوار شدن بر کشتی نجات «کارپاتیا» نشان می‌دهد.

فیلمنامه فیلم از مسئله اختلافات طبقاتی در میان مسافران گوناگون کشتی بیشترین بهره‌برداری را می‌کند. این اثر سه ساعته بعدها در نسخه‌ای کوتاه شده در قالب نوارهای ویدیویی پخش شد.

۱۹۸۰ - فیلم «تایتانیک را بالا بیاورید» بر اساس رمان نه چندان قابل اعتنائی از کیو کاسل ساخته شد که چند سال پیش از این عنوان پر فروش‌ترین رمان را به دست آورده بود. ماجرای این فیلم در زمان معاصر، یعنی هنگامی رخ می‌دهد که نیروی دریایی آمریکا با صرف صدها میلیون دلار می‌خواهد تایتانیک را از اعماق دریا بالا بیاورد چرا که، این کشتی با خود ماده‌ای معدنی به نام «بیزانیوم» حمل می‌کرده که برای یک سیستم جدید دفاع هسته‌ای ضروری است. خود فیلم اصلاً یک فاجعه بود و یکی از بزرگ‌ترین شکست‌های تجاری در تاریخ سینما را به دنبال آورد. هزینه تولید فیلم ۴۰ میلیون دلار بود و فقط هزینه جلوه‌های ویژه آن به تنهایی بیش از هزینه ساخت خود کشتی تایتانیک در سال ۱۹۱۱ بود. «تایتانیک را بالا بیاورید» در همه جای جهان با واکنش منفی منتقدین روبه‌رو شد و در گیشه با مرگی سریع روبه‌رو شد آن‌چنان که، تنها کمتر از ده درصد هزینه‌هایش را توانست از محل فروش بلیت بازگرداند. (رد لوگرید که از سلاطین تولید فیلم در سینمای انگلستان بود و بر اثر این شکست کار خود را از دست داد، جمله معروفی را نصیب خود کرد که هنوز نقل محافل است: «تایتانیک را بالا بیاورم؟ خدای من، پایین بردنش ارزان‌تر تمام می‌شود!»)

هنگام مراجعت از یکی از این سفرها و بازگشت به آمریکا با کشتی تایتانیک، کار مگی به سوار شدن در قایق نجات شماره ۶ کشید. در این قایق، او خود فرماندهی را در دست گرفت چرا که سایر قایق‌نشینان توانایی انجام چنین وظیفه‌ای را نداشتند. این سکانس در فیلم «تایتانیک» جیمز کامرون (۱۹۹۷) فیلمبرداری شد ولی بعداً از نسخه پخش آن حذف گردید. نقش مؤثر و فعال براون در کشتی تایتانیک آوازه فراوان یافت و سرانجام از سوی کسانی که او را مورد سرزنش قرار می‌دادند، مورد پذیرش قرار گرفت و به مقبولیت اجتماعی دست یافت. هالیوود هرگز نمی‌توانست یک چنین شخصیت جالب و پرجلوه‌ای را نادیده بگیرد. از این روست که عملاً بیشتر فیلم‌های تایتانیک این شخصیت را در یکی از نقش‌های فرعی نشان می‌دهند. مگی یکی از شاهد‌های اصلی کمیته تحقیق درباره فاجعه تایتانیک بود و یک عکس بسیار مشهور که در بسیاری از کتاب‌های مربوط به تایتانیک چاپ شده او را نشان می‌دهد که چند هفته بعد از فاجعه، مدالی بر سینه ناخدا روستران فرمانده کشتی نجات کارپاتیا می‌آویزد.

۱۹۷۹ - برنامه «سینمای یکشنبه شب» شبکه ان.بی.سی، فیلم اس.اس. تایتانیک (تایتانیک را نجات دهید) را عرضه کرد. این فیلم، اثری پرتجمل بود که اصلاً برای تلویزیون ساخته شده بود و در آن بازیگرانی چون دیوید جانسن (در نقش جان جاکوب آستور)، دیوید وارنر (در نقش لارنس یسلی، مسافر قسمت درجه دو - که بعدها نقش لاجوی، آن مرد شرور و سادیستیک اسلحه به دست را در تایتانیک جیمز کامرون بازی کرد)، یان هولم (در نقش جی. بروس ایسمی)، و کلوریس لیچ من (در نقش مالی براون) ایفای نقش می‌کردند.

این فیلم برداشت جالبی است از فاجعه تایتانیک بر اساس کتاب نویسنده برنده جایزه «امی»، جیمز کاستیگان که در اطراف جزایر «من» در دریای ایرلند، و نیز بر

علی‌رغم بازی‌های بسیار بد، دیالوگ مزخرف، پژوهش سرهم‌بندی شده و فرضیه مسخره این فیلم، بعضی از قسمت‌هایش بسیار جالب است و ارزش دیدن دارد. سکانس‌های زیر آبی فیلم، آنجا که می‌خواهند محل کشتی غرق شده را پیدا کنند بسیار شبیه همان چیزی است که به هنگام یافتن تایتانیک توسط گروه اکتشافی بالارد در پنج سال بعد اتفاق افتاد. سکانس‌های جلوه‌های ویژه بالا آوردن تایتانیک نیز بسیار جذاب است و به علاوه، فیلم از موسیقی متن هیجان‌انگیز جان بوی برخوردار است. ماکت مورد استفاده برای این صحنه هجده متر طول داشت و پنج میلیون دلار هزینه برداشته بود. این صحنه‌ها در یک مخزن آب ده میلیون گالنی که در جزیره «مالتا» ساخته بودند فیلمبرداری شد که خود به تنهایی سه میلیون دلار هزینه برداشته بود. ویژگی جالب دیگر در این فیلم، تجسم طراح صحنه آن، جان دو کوئیر از معماری داخلی تایتانیک پس از بالا آوردن آن است. در زمینه جلوه‌های ویژه، سکانس‌هایی که نشان دهنده حمل تایتانیک به نیویورک است از نظر فنی ناکارآمد است و چندین متقاعدکننده به نظر نمی‌رسد.

متأسفانه فصولی که در کتاب وجود دارد و نشان می‌دهد که چگونه «بیزانیوم» را در سال ۱۹۱۲ به تایتانیک می‌آورند، در فیلم وجود ندارد. برای نمایش این فیلم عجله زیادی هم به خرج دادند چون تهیه‌کنندگان آن نگران گروه اکتشافی گریم بودند که در آن زمان در جست و جوی تایتانیک بود و می‌ترسیدند که مبادا این گروه محل واقعی غرق کشتی را پیدا کند، و اگر کشتی به صورت تکه‌تکه شده پیدا می‌شد، فیلم از اعتبار می‌افتاد. که البته نیازی به این نگرانی نبود.

۱۹۸۱ - فیلم «راهزنان زمان»، فانتزی پرماجرایبی که توسط «بیتل» سابق جرج هرسون تهیه شد و تری گیلیام بسازیرگر و کارگردان «مانتی پاتیان» آن را نوشته و کارگردانی کرده بود، ماجرای یک بچه مدرسه انگلیسی

و گروهی از کوتوله‌هاست که در زمان سفر می‌کنند و با چهره‌های تاریخی گوناگون مواجه می‌شوند. سرانجام آنها از عرشه کشتی تایتانیک پیش از غرق شدن آن، سر درمی‌آورند.

۱۹۸۹ - در سکانس کوتاهی از فیلم «شکارچیان ارواح - ۲»، ظاهری شسیح - وار از تایتانیک وارد نیویورک می‌شود و مسافرانی را که ده‌ها سال پیش مرده بودند، در حال پیاده شدن از کشتی می‌بینیم.

۱۹۹۶ - کتاب پرفروش دانیل استیل به نام «عشق بزرگ‌تری وجود ندارد» در قالب یک فیلم تلویزیونی در مونترال (کانادا) فیلمبرداری شد. قهرمان (زن) پردل و جرأت فیلم، ادوینا، یک از مسافران کشتی تایتانیک است که پدر و مادر و نامزدش را در این فاجعه از دست می‌دهد. ادوینا از آن پس، در حالی که ناچار است از پنج خواهر و برادر خود سرپرستی کند، عمری را در ملودرام سپری می‌کند.

۱۹۹۶ - «تایتانیک» دیگر بار نام یک فیلم تلویزیونی دو - قسمتی بود که در ونکوور (کانادا) فیلمبرداری شد. در این فیلم جرج. سی. اسکات در نقش ناخدا «اسمیت»، ماریلو هنر در نقش «مالی براون» و اوامری سنت و پتر گالاگر در نقش شخصیت‌هایی خیالی ظاهر شدند. این فیلم شبکه CBS مشخصاً برای بهره‌برداری از جنجال‌هایی که در آن زمان بر سر فیلم ناتمام جیمز کامرون برپا بود، طراحی و ساخته شده بود. جلوه‌های ویژه رایانه‌ای فیلم ناموفق و غیرقابل قبول بود. این فیلم مجدداً در ماه مه ۱۹۹۸ از تلویزیون پخش شد.

۱۹۹۷ - و سرانجام، «تایتانیک» جیمز کامرون، فیلمی عظیم و پرخرج با تمامی فرمول‌های موفقیت در گیشه، طرح داستانی ملو - دراماتیک، جلوه‌های ویژه رایانه‌ای استادانه، طراحی صحنه عالی، موسیقی فراموش‌نشدنی و بازی‌های بالنسبه خوب.

... و حقیقت و افسانه تایتانیک هم‌چنان ادامه خواهد یافت.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی